

نگاه هفته

افزایش قیمت نفت با اعتصاب در کویت



سعیده شفیعی
پژوهشگر اقتصادی

● اگرچه شکست نشست دوحه به دلیل کارشکنی عربستان در ابتدای هفته گذشته (هفدهم آوریل) سبب شد قیمت نفت با کاهش هفت درصدی مواجه شود اما اعتصابات کارگری در صنعت نفت کویت و کاهش تعداد حفاری‌های نفتی در آمریکا باعث شد قیمت دو شاخص اصلی نفت در طول هفته به زیر ۴۰ دلار سقوط نکند؛ گرچه سبد نفتی اوپک در سطح ۳۸ دلار تثبیت شد.

سه شاخص اصلی قیمت‌های نفت

قیمت نفت «برنت دریای شمال» (Brent) در آغازین ساعات روز جمعه بیست‌ویکم آوریل با حدود یک دلار افزایش به ۴۴ دلار و ۵۳ سنت رسید. شاخص «نفت وست‌تگزاس اینترمیدیت» (WTI) در همین روز ۴۳ دلار و ۱۸ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، دو دلار و ۳۰ سنت رشد نشان می‌دهد. همچنین بنا بر گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سبد نفتی این سازمان (OPEC Ref-) به ۴۲ دلار رسید. - که متشکل از میانگین قیمت نفت ۱۲ کشور عضو این سازمان است- در پایان روز پنجشنبه بیستم آوریل در سطح ۳۸ دلار و ۴۶ سنت تثبیت شد که برخلاف دو شاخص قبلی ۱۲ سنت نسبت به هفته قبل پایین‌تر است.

شکست طرح فریز نفتی

نشست تولیدکنندگان نفت اوپکی و غیروپکی که قرار بود بر سر طرح فریز نفتی روز هفدهم آوریل در دوحه برگزار شود، با موفقیت همراه نبود و تولیدکنندگان نتوانستند بر سر کاهش عرضه به توافق برسند. موافقت نکردن عربستان با این طرح به دلیل عدم کاهش تولید نفت ایران، مهم‌ترین علت این عدم توافق اعلام شده است. ایران بارها اعلام کرده است تولید نفت خود را باید به سطح پیش از تحریم‌ها بازگرداند و پیوستن به طرح فریز نفتی به‌منابه ادامه تحریم نفت ایران خواهد بود. این در حالی است که عراق عنوان کرد طرح فریز نفتی را با هدف محدودکردن عرضه نفت به بازار جهانی در نشست ماه ژوئن اوپک دنبال خواهد کرد.

اعتصاب در صنعت نفت کویت

یکی از دلایل افزایش قیمت نفت در میانه هفته گذشته، اعتصاب کارگری در صنعت نفت و گاز کویت بود که تولید نفت و گاز این کشور را یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد که این رقم حدود ۶۰ درصد تولید نفت این کشور را تشکیل می‌دهد. لازم به ذکر است بنا بر آمار رسمی سازمان اوپک، کویت با دومیلیون و ۸۰۰ هزار بشکه تولید نفت خام، پس از عربستان و عراق، سومین تولیدکننده اوپک محسوب می‌شود.

کاهش تولید غیر اوپک و افزایش تولید ایران

به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، در دو سال گذشته با کاهش قیمت نفت، تولید نفت شیل غیراقتصادی شده و میزان تولید آن در کشورهای غیرعضو اوپک (مناطق آمریکا، کانادا و آمریکای لاتین) ۴۰ درصد کاهش یافته است. همچنین بنا بر گزارش خبرگزاری رویترز در ماه جاری میلادی، میانگین صادرات نفت ایران به یک میلیون و ۷۵۰ بشکه در روز افزایش یافته است که ۱۵۰ هزار بشکه نسبت به ماه گذشته میلادی رشد نشان می‌دهد.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت اسبیات هنری‌هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به بیست‌دوم آوریل، با افزایش پنج‌سنتی نسبت به هفته قبل به سطح یک دلار و ۷۶ سنت به آرای هرمیلیون بی‌تی‌وی یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) رسید.

خبر

قیمت خودرو نباید آزاد شود

● ایستنا: رئیس انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان معتقد است که آزادسازی قیمت‌گذاری خودرو باعث افزایش قیمت‌ها شده و برخلاف منافع مصرف‌کنندگان است. محمد جعفری اظهار کرد: خودروسازان سابقه بدی در رعایت حقوق مصرف‌کنندگان دارند. وی با بیان اینکه درحال حاضر نیز تناسبی بین قیمت و کیفیت خودروهای داخلی وجود ندارد، خاطرنشان کرد: خودروهای داخلی در مقایسه با قیمت‌ها، کیفیت پایینی دارند. رئیس انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ادامه داد: در این شرایط اگر قیمت‌گذاری خودرو آزاد شود شاهد رشد بیشتر قیمت‌ها خواهیم بود. وی افزود: بنابراین به‌جای آزادسازی قیمت خودرو باید شورای رقابت وارد عمل شده و قیمت خودروهایی که کیفیت پایینی دارند را کاهش دهد. جعفری با بیان اینکه ریشه تمام مشکلات در انحصاری بودن بازار خودرو ایران است، تصریح کرد: تا زمانی‌که مسئله انحصار در بازار خودرو حل نشده، هرگونه آزادسازی قیمت‌گذاری خودرو تنها باعث افزایش قیمت‌ها خواهد شد.

اقتصاد

«شقاقی شهری» از گزارش انجمن اقتصاددانان درباره ۱۰ سال خصوصی سازی خبر می‌دهد

وزیر اقتصاد زیر فشار «نانوشته‌ها»

احمدی نژاد از تاکتیک واگذاری بنگاه‌ها به شبه دولتی‌ها استفاده کرد تا تصدایی درنیابد



احمدی نژاد

شاخص‌هایی که برای سند چشم‌انداز در نظر گرفته شده بود، جز با توسعه بخش خصوصی امکان‌پذیر نبود. اصلا به نگاه دولتی نمی‌توانیم به آن شاخص‌ها برسیم. آن زمان هم به این اجماع رسیدند که حتما باید در اقتصاد ایران دگرگونی رخ دهد تا سند چشم‌انداز محقق شود. هم‌زمان با ابلاغ سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هم ابلاغ شد. خرداد ۸۴، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از سوی رهبری ابلاغ شد، اما بند چ این سیاست‌ها در سال ۸۵ ابلاغ شد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ پنج بند دارد. کلیت بند «الف» این است که دولت از اینکه هست بزرگ‌تر نشود، ثابا بخش خصوصی توسعه پیدا کند و آزادسازی اتفاق بیفتد. بند «ب» به دنبال این بود که بخش تعاونی اقتصاد ایران در پایان برنامه توسعه پنجم که اکنون پایان این برنامه هستیم، به ۲۵ درصد برسد. بند «ج» یک سال بعد اعلام شد و بر سر واگذاری‌ها بحث می‌کرد. قاعدتا از محل واگذاری‌ها، درآمدی نیز حاصل می‌شد. بنابراین بند «د» هدفش این بود که این درآمد در راستای توانمندسازی بخش خصوصی هزینه شود. بند «ه» هم بحث انحصارزدایی و سهولت رقابت را مطرح می‌کرد. این پنج بند عملا با هم ارتباط دارند و باید با هم جلو می‌رفتند. اکنون ۱۰ سال از ابلاغ سیاست‌ها گذشته و وقتی مرور می‌کنیم می‌بینیم همه توان دولت گذشته مصروف بند ج شد. دولت گذشته همه تلاشش را برای بحث واگذاری صرف کرد. آن هم در بدترین شکل واگذاری‌ها، قرار بود بنگاه‌هایی که واگذار می‌شوند قبل و بعد این اتفاق حمایت و توانمندسازی شوند که نشد. بخشی از واگذاری‌ها هم به مؤسسات عمومی غیردولتی انجام شد. واژه شبه‌دولتی هم در این زمان شکل گرفت. منظور از بخش خصوصی واقعی یعنی مدیریت و مالکیت در اختیار بخش خصوصی باشد. در مؤسسات عمومی غیردولتی مالکیت در دست بخش خصوصی است اما مدیریت را دولت تعیین می‌کند مثل تامین اجتماعی. شبه‌دولتی‌ها، بخش خصوصی نیستند اما پشت پرده دارند. در شبه‌دولتی‌ها مالکیت و مدیریت بخش خصوصی است اما وقتی وارد می‌شوید یک نهاد یا گروهی به‌صورت نانوشته حامی‌اش بودند که خودشان هم به سیستم وصل هستند. بخش خصوصی واقعی که مدیریت و مالکیت را در دست دارد کمتر از ۱۵ درصد است. یک‌سال بعد از سال ۸۵ که سیاست‌های بند ج ابلاغ شد، قانون اصل ۴۴ در مجلس هم مصوب شد چون به این نتیجه رسیدند که بخشی از واگذاری‌ها حتما نیازمند قانون است و سال ۸۶ این قانون ابلاغ و دست دولت باز شد. حدود ۱۱۲ میلیارد تومان حجم واگذاری‌ها از سال ۸۵ تا ۹۲ از سوی دولت گذشته بود. درحال حاضر هم این واگذاری‌ها تا جایی که اطلاع دارم، به ۱۲۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. البته دولت یازدهم می‌دانست این‌گونه واگذاری‌ها به مشکلات می‌افزاید. از این منظر مقداری آهسته‌تر حرکت می‌کند. البته بنگاه‌های خوبی که بودند قبلا واگذار شده‌اند. دولت گذشته مجوزی را برای سهام عدالت گرفت که بخشی از بنگاه‌ها را به مردم دهد و مالکیت، عمومی شود. ۲۲ درصد از این واگذاری‌های صورت‌گرفته در دولت گذشته به سمت سهام عدالت رفت. سهام عدالت چه بود؟ برگه‌هایی به ما دادند و دو بار هم مبالغ ۴۰۰ هزار تومان واریز کردند و اکنون همه مردم صاحب برگه‌هایی هستند اما نمی‌دانند مالک کدام شرکت هستند، در این صورت نمی‌توانند ایده‌ای هم بدهند. ۲۲ درصد از این واگذاری‌ها هم صرف رد دیون شد. دولت بدهی‌هایی داشت که با این واگذاری‌ها بدهی‌هایش را پرداخت کرد. حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان رد دیون صورت گرفت. به‌همین دلیل درحال حاضر وزیر نفت در صداوسیما اعلام می‌کند من کمترین نقش را در بحث بنگاهداری نفتی در داخل کشور دارم. نفت اکنون در وزارت دفاع و جاهای دیگر است. چون بدلیل رد دیون واگذارشده، یکباره وزارت رفاه صاحب سهام بخش نفت شد و باید تصمیم بگیرد. وزیر دفاع اکنون باید مدیریت یک بخش نفتی را هم انجام دهد. وزیر نفت دو، سه‌بار تاکید کرد وزیران دیگر در زیرمجموعه‌هایشان بیشتر از وزارت نفت بخش‌های نفتی دارند.

بیشترین واگذاری‌ها از چه روشی انجام شد؟

در سیاست‌ها حتما گفته شده بود عمده واگذاری‌ها به بورس باشد اما در تجربه موفق دنیا مثل آلمان به سراغ روش مذاکره رفتند. برای واگذاری‌ها سه روش مذاکره، مزایده و بورس داریم. بورس که مشخص است هر کسی می‌خواهد خرید می‌کند. در مزایده درخواست داده می‌شود و بیشترین قیمت مورد پذیرش قرار می‌گیرد. اما آلمان مذاکره کرد. سازمانی که وظیفه‌اش واگذاری است سازمانی قوی شکل داده است برای این کار که

بود، جز با توسعه بخش خصوصی امکان‌پذیر نبود. اصلا به نگاه دولتی نمی‌توانیم به آن شاخص‌ها برسیم. آن زمان هم به این اجماع رسیدند که حتما باید در اقتصاد ایران دگرگونی رخ دهد تا سند چشم‌انداز محقق شود. هم‌زمان با ابلاغ سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هم ابلاغ شد. خرداد ۸۴، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از سوی رهبری ابلاغ شد، اما بند چ این سیاست‌ها در سال ۸۵ ابلاغ شد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ پنج بند دارد. کلیت بند «الف» این است که دولت از اینکه هست بزرگ‌تر نشود، ثابا بخش خصوصی توسعه پیدا کند و آزادسازی اتفاق بیفتد. بند «ب» به دنبال این بود که بخش تعاونی اقتصاد ایران در پایان برنامه توسعه پنجم که اکنون پایان این برنامه هستیم، به ۲۵ درصد برسد. بند «ج» یک سال بعد اعلام شد و بر سر واگذاری‌ها بحث می‌کرد. قاعدتا از محل واگذاری‌ها، درآمدی نیز حاصل می‌شد. بنابراین بند «د» هدفش این بود که این درآمد در راستای توانمندسازی بخش خصوصی هزینه شود. بند «ه» هم بحث انحصارزدایی و سهولت رقابت را مطرح می‌کرد. این پنج بند عملا با هم ارتباط دارند و باید با هم جلو می‌رفتند. اکنون ۱۰ سال از ابلاغ سیاست‌ها گذشته و وقتی مرور می‌کنیم می‌بینیم همه توان دولت گذشته مصروف بند ج شد. دولت گذشته همه تلاشش را برای بحث واگذاری صرف کرد. آن هم در بدترین شکل واگذاری‌ها، قرار بود بنگاه‌هایی که واگذار می‌شوند قبل و بعد این اتفاق حمایت و توانمندسازی شوند که نشد. بخشی از واگذاری‌ها هم به مؤسسات عمومی غیردولتی انجام شد. واژه شبه‌دولتی هم در این زمان شکل گرفت. منظور از بخش خصوصی واقعی یعنی مدیریت و مالکیت در اختیار بخش خصوصی باشد. در مؤسسات عمومی غیردولتی مالکیت در دست بخش خصوصی است اما مدیریت را دولت تعیین می‌کند مثل تامین اجتماعی. شبه‌دولتی‌ها، بخش خصوصی نیستند اما پشت پرده دارند. در شبه‌دولتی‌ها مالکیت و مدیریت بخش خصوصی است اما وقتی وارد می‌شوید یک نهاد یا گروهی به‌صورت نانوشته حامی‌اش بودند که خودشان هم به سیستم وصل هستند. بخش خصوصی واقعی که مدیریت و مالکیت را در دست دارد کمتر از ۱۵ درصد است. یک‌سال بعد از سال ۸۵ که سیاست‌های بند ج ابلاغ شد، قانون اصل ۴۴ در مجلس هم مصوب شد چون به این نتیجه رسیدند که بخشی از واگذاری‌ها حتما نیازمند قانون است و سال ۸۶ این قانون ابلاغ و دست دولت باز شد. حدود ۱۱۲ میلیارد تومان حجم واگذاری‌ها از سال ۸۵ تا ۹۲ از سوی دولت گذشته بود. درحال حاضر هم این واگذاری‌ها تا جایی که اطلاع دارم، به ۱۲۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. البته دولت یازدهم می‌دانست این‌گونه واگذاری‌ها به مشکلات می‌افزاید. از این منظر مقداری آهسته‌تر حرکت می‌کند. البته بنگاه‌های خوبی که بودند قبلا واگذار شده‌اند. دولت گذشته مجوزی را برای سهام عدالت گرفت که بخشی از بنگاه‌ها را به مردم دهد و مالکیت، عمومی شود. ۲۲ درصد از این واگذاری‌های صورت‌گرفته در دولت گذشته به سمت سهام عدالت رفت. سهام عدالت چه بود؟ برگه‌هایی به ما دادند و دو بار هم مبالغ ۴۰۰ هزار تومان واریز کردند و اکنون همه مردم صاحب برگه‌هایی هستند اما نمی‌دانند مالک کدام شرکت هستند، در این صورت نمی‌توانند ایده‌ای هم بدهند. ۲۲ درصد از این واگذاری‌ها هم صرف رد دیون شد. دولت بدهی‌هایی داشت که با این واگذاری‌ها بدهی‌هایش را پرداخت کرد. حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان رد دیون صورت گرفت. به‌همین دلیل درحال حاضر وزیر نفت در صداوسیما اعلام می‌کند من کمترین نقش را در بحث بنگاهداری نفتی در داخل کشور دارم. نفت اکنون در وزارت دفاع و جاهای دیگر است. چون بدلیل رد دیون واگذارشده، یکباره وزارت رفاه صاحب سهام بخش نفت شد و باید تصمیم بگیرد. وزیر دفاع اکنون باید مدیریت یک بخش نفتی را هم انجام دهد. وزیر نفت دو، سه‌بار تاکید کرد وزیران دیگر در زیرمجموعه‌هایشان بیشتر از وزارت نفت بخش‌های نفتی دارند.

در آن زمان مخالفت وجود نداشت؟

آن زمان هم مقاومت‌هایی مقابل خصوصی سازی شد اما باز هم به نظر برنامه سوم، برنامه خوبی بود و حداقل‌ها را برای بحث خصوصی سازی در کشور در نظر گرفته بود. تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام از سال ۷۹ آغاز اما در سال ۸۲ نهایی و سال ۸۴ هم ابلاغ شد.

در چین هم در زمان خصوصی سازی اتحادیه کارگری و ذی‌نفعان مخالفت کردند. به هر حال خصوصی سازی با نرمی و بگویند اتفاق نمی‌افتد. آلمانی‌ها یک سازمان قوی باقدرت ایجاد کردند. آن سازمان به سراغ مذاکره رفت. مذاکره این‌طور است. من می‌خواهم برای مثال ایران خودرو را واگذار کنم. می‌گفتم در زمینه خودروسازی در کشور ما چه کسانی هستند که هم پول دارند و هم توان مدیریت. اعلام می‌کردم بنگاه ما اکنون وضعیت ورشکسته دارد. با کمترین عدد حاضریم این بنگاه را به شما واگذار کنم. در اروپا بنگاه‌هایی حتی با یک دلار واگذار شد. چون ورشکسته بودند. اما شرط گذاشته می‌شود. مثلا من می‌گویم ایران خودرو ورشکسته را که اکنون ضرر هم دارد، به شما با یک ریال می‌دهم اما به این شرط که اشتغال ایجاد و کیفیت کالا را بیشتر کنید و کار را توسعه دهید. یا ممکن است با عددی با شما مذاکره کنم. اگر نتوانید تعهدات را در زمان مقرر انجام دهید، واگذاری فسخ می‌شود. آلمانی‌ها برای بنگاه‌های دولتی ورشکسته آلمان شرقی مذاکره کردند. در داخل کشور ما هم وقتی واگذاری‌ها شروع شد سال ۸۶، ۸۷، از هندوستان برای خرید نیروگاه یا مخابرات آمدند که اجازه پیدا نکردند. روش مذاکره، روش خیلی خوبی است و دنیا تجربه کرده است.

اگر تا این حد مطلوب است، چرا ما با این روش خصوصی سازی را پیش نبردیم؟

چون روش مذاکره شهنه‌ناک است، کشور ما آن را بر نمی‌تابد. البته حتما یک سیستم قوی و اجماع نیاز دارد. در سیاست‌ها هم بورس در اولویت بود چون شاید این ذهنیت هست که کسی جرئت این را ندارد که بنگاهی را با یک ریال واگذار کند. البته پشت‌صحنه بنگاه‌ها که می‌بینید درواقع سودآور نیستند. در کشور ما مذاکره و مزایده کمتر از پنج درصد و ۹۵ درصد واگذاری‌ها بورس بود. در بورس هم شبه‌دولتی‌ها پشت‌صحنه بودند. مؤسسات عمده غیردولتی که پول زیادی داشتند، آمدند و عملا بخش خصوصی واقعی کمتر از ۱۵ درصد واگذاری داشت. گرفتاری دولت این است که اولاً بنگاه‌های مانده ضعیف هستند، ثابا همه زیادی صورت می‌گیرد. متأسفانه دستگاه‌های نظارتی ما حامی این موضوع نیستند. در بحث المهدی که واگذار شد، بر سر ارزش‌گذاری بنگاه چقدر داد و بیداد شد.

ادامه در صفحه ۱۵

فقط با ضمانتنامه نیا

اُجنرال

هواکِ خونه همیشه بهاره

هواي شما را داریم...!

www.nia.ir

خدمات مشتریان

021-23 22

پنج سال ضمانت

بی قید و شرط کمپرسور